



واکاوی مبانی فقهی وجوب دفاع از حرم اهل بیت (علیهم السلام) و منسوبان ایشان

دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۳/۲۶ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۰۳

محمد جمشیدی^۱ محمد مهدی مرادی^۲

چکیده

دفاع از حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام) در دهه‌های اخیر به یکی از مسائل مهم فقهی تبدیل شده است. اختلاف دیدگاه‌ها درباره ماهیت فقهی این دفاع، غالباً از خلط میان عناوین فقهی و نیز آمیختگی استدلال‌های شرعی با ملاحظات سیاسی و عاطفی ناشی می‌شود. این پژوهش می‌کوشد با رویکردی قاعده‌محور، مبانی فقهی دفاع از حرم‌ها را بر پایه ادله معتبر شرعی تحلیل کند و از فروکاستن آن به جهاد ابتدایی یا انگیزه‌های صرفاً عاطفی بپرهیزد.

در این راستا، ابتدا مفاهیم بنیادینی چون جهاد، دفاع و حرم تبیین و جایگاه این موضوع در منظومه فقه امامیه روشن می‌شود. سپس با بررسی آیات قرآن کریم و روایات معصومان (علیهم السلام)، مشروعیت اصل دفاع در برابر ظلم، هتک مقدسات و تعرض به شعائر دینی بررسی می‌شود. در ادامه نیز قواعدی مانند نفی سبیل، حرمت هتک مقدسات، وجوب حفظ بیضه اسلام و تعظیم شعائر به عنوان مهم‌ترین مستندات فقهی ناظر به این مسئله تحلیل می‌گردد.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دفاع از حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام) در صورت تحقق تهدید و تعرض واقعی، از مصادیق جهاد دفاعی است. حکم اولیه این دفاع، وجوب کفایی است؛ اما هرگاه خطر موجود باشد و مدافعان موجود برای دفع آن کفایت نکنند، این وجوب به وجوب عینی تبدیل می‌شود. این حکم بر مجموعه‌ای از ادله الزام‌آور فقهی استوار است و نباید با حکمت‌ها و انگیزه‌های عاطفی، مانند مودت اهل بیت (علیهم السلام) خلط شود.

کلیدواژه‌ها: بیضه اسلام، تعظیم شعائر، جهاد دفاعی، دفاع از حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام)، نفی سبیل.

mj.alamdar@gmail.com
nasle3@chmail.ir

۱. دانشجوی دکترای فقه و اصول، حوزه علمیه قم، ایران (نویسنده مسئول):
۲. دانشجوی دکترای مدیریت رسانه، دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، قم، ایران:

۱. مقدمه

حفظ اماکن مقدس و نمادهای دینی همواره یکی از دغدغه‌های اساسی جوامع دینی بوده و در فقه اسلامی به‌عنوان بخشی از صیانت از ارزش‌های دینی مورد توجه قرار گرفته است. در فقه امامیه، مقوله «جهاد» و «دفاع» از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و احکام آن با دقت و تفصیل فراوان تبیین شده است. با این حال، تحولات سیاسی امنیتی دهه‌های اخیر در منطقه غرب آسیا و ظهور جریان‌های خشونت‌طلب تکفیری، زمینه بروز صورت‌بندی جدیدی از یک مسئله فقهی موجود را در فقه معاصر فراهم کرده است. مسئله‌ای که ناظر به دفاع مسلحانه از حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام) و اماکن مقدس شیعی در خارج از مرزهای سرزمینی دولت‌های اسلامی است.

۱-۱. مسئله پژوهش

در این زمینه، پرسش‌های فقهی مهمی مطرح شده است؛ از جمله اینکه دفاع از حرم‌های مطهر ذیل کدام عنوان فقهی قابل تحلیل است؟ آیا چنین دفاعی مصداق جهاد ابتدایی است که مشروعیت آن منوط به حضور یا اذن امام معصوم (علیه السلام) است یا آنکه باید آن را در قلمرو جهاد دفاعی قرار داد؟ افزون بر این، درباره دامنه و شرایط این دفاع، شبهاتی از این دست مطرح شده است که «حرم، یک موضوع مادی و غیرذی‌شعور است و حفظ جان انسان‌ها بر آن مقدم است» یا «دفاع نظامی از اماکن مقدس در سرزمین دیگران، دخالت در امور داخلی کشورها محسوب می‌شود». پاسخ به این شبهات، بدون تحلیل دقیق مبانی فقهی ممکن نخواهد بود.

۱-۲. پرسش پژوهش

پرسش اصلی تحقیق آن است که آیا دفاع از حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام) در صورت تحقق هجوم و خطر واقعی، از نظر فقهی واجب است و در صورت وجوب، ماهیت و نوع این وجوب چگونه تبیین می‌شود؟ فرضیه پژوهش بر این پایه استوار است که دفاع از حرم، نه صرفاً دفاع از یک بنای فیزیکی، بلکه صیانت از شعائر دینی، هویت مذهبی و کیان تشیع

است. از این رو، می‌تواند مشمول ادله عام و خاص جهاد دفاعی و قواعد حاکم فقهی در این باب باشد.

۱-۳. شیوه پژوهش

با وجود آنکه در منابع فقهی و نیز برخی پژوهش‌های معاصر، مباحثی همچون جهاد دفاعی، حفظ کیان اسلام، حرمت هتک مقدسات، نفی سبیل و تعظیم شعائر، هر یک به گونه‌ای مطرح شده‌اند، مسئله «دفاع از حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام)» غالباً به صورت مستقل و با صورت‌بندی فقهی منسجم بررسی نشده است. بخش مهمی از نوشته‌های موجود یا ناظر به فضیلت و اهمیت معنوی حرم‌هاست، یا از منظر سیاسی، اجتماعی و تاریخی به این مسئله پرداخته‌اند؛ در حالی که تبیین فقهی دقیق مبانی الزام‌آور دفاع از حرم‌ها و تعیین نوع وجوب آن، همچنان نیازمند بررسی روشمند است.

این پژوهش با رویکردی توصیفی تحلیلی داده‌های لازم را به روش کتابخانه‌ای و از طریق مراجعه به منابع معتبر مکتوب و دیجیتال گردآوری کرده و تحلیل آن‌ها را بر پایه تحلیل محتوای کیفی انجام داده است. بر این اساس بر پایه منابع معتبر فقه امامیه، به واکاوی مبانی فقهی «دفاع از حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام)» در شرایط معاصر می‌پردازد و با هدف پرهیز از رویکردهای صرفاً احساسی یا سیاسی، می‌کوشد این مسئله را در چهارچوب قواعد و ادله معتبر فقه امامیه بررسی کند.

۱-۴. پیشینه پژوهش

در منابع فقهی سنتی، هر چند بحثی مستقل و مصطلح با عنوان «دفاع از حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام)» به چشم نمی‌خورد؛ اما مباحثی چون جهاد دفاعی، حفظ بیضه اسلام، نفی سبیل، حرمت هتک مقدسات و لزوم صیانت از شعائر دینی، به گونه‌ای مطرح شده‌اند که قابلیت انطباق بر این مسئله را دارند. بر این اساس، بسیاری از فقهای امامیه در ضمن ابواب جهاد، امر به معروف، دفاع و صیانت از کیان اسلام، از اصول و ضوابطی سخن گفته‌اند که می‌توان از آن‌ها برای تبیین حکم دفاع از حرم‌ها بهره برد. از این رو، هر چند

عنوان مسئله در متون کهن به صورت مستقل طرح نشده، مواد استدلالی و مبانی فقهی آن در لابه لای ابواب مختلف فقهی قابل شناسایی است.

در پژوهش های فقهی معاصر نیز مسئله صیانت از اماکن مقدس غالباً ذیل مفاهیمی مانند تعظیم شعائر، حرمت هتک مقدسات، دفاع از کیان اسلام و مقابله با سلطه دشمن بررسی شده است. در این آثار، اصل مشروعیت دفاع از مقدسات کم و بیش مورد پذیرش قرار گرفته، اما تمرکز اصلی بیشتر بر بیان اهمیت و قداست این اماکن یا بر تبیین ابعاد ارزشی و هویتی آن ها بوده است؛ نه بر ارائه تحلیلی منسجم و ضابطه مند از مبانی الزام فقهی دفاع از آن ها. به ویژه در بسیاری از این پژوهش ها، تفکیک روشنی میان ادله ای که بر اصل وجوب دلالت دارند و مؤلفه هایی که بیشتر جنبه حکمت، تأکید ارزشی یا تقویت انگیزه دینی دارند، به چشم نمی خورد.

از سوی دیگر، مقالات علمی سال های اخیر، به ویژه در حوزه مطالعات تاریخی، فرهنگی و اجتماعی مرتبط با اماکن منتسب به اهل بیت (علیهم السلام) بیشتر بر کارکرد هویتی، عاطفی و تمدنی این اماکن تمرکز کرده اند. هر چند این مطالعات در تبیین جایگاه ممتاز حرم ها در حافظه دینی و هویت جمعی شیعه سودمندند؛ اما مسئله «دفاع فقهی» از آن ها غالباً در این آثار به صورت غیرمستقیم و در حاشیه مباحث کلی تر مطرح شده و کمتر موضوع تحلیل مستقل فقهی قرار گرفته است.

برایند بررسی پیشینه نشان می دهد که با وجود وجود عناصر متعدد و پراکنده برای استنباط حکم دفاع از حرم های اهل بیت (علیهم السلام)، همچنان جای پژوهشی که این عناصر را در قالبی منسجم، قاعده محور و ناظر به مرزبندی دقیق با جهاد دفاعی سامان دهد، خالی است. همچنین تعیین نوع وجوب دفاع از حرم، شرایط تحقق آن و تفکیک میان ادله الزام آور فقهی و مؤیدات ارزشی و انگیزشی از اموری است که در پژوهش های پیشین کمتر به صورت مستقل و روشمند بررسی شده است. از همین رو، پژوهش حاضر می کوشد این خلأ را با ارائه تحلیلی فقهی، منظم و مبتنی بر قواعد عام و خاص جبران کند.

۱-۵. هدف پژوهش

از این رو، نوشتار حاضر می‌کوشد با بازخوانی ادله و قواعد مرتبط، مسئله دفاع از حرم‌ها را در چهار چوب استنباط فقهی تحلیل کند. وجه تمایز این پژوهش، بیش از آنکه در طرح اصل موضوع باشد، در سامان‌دهی فقهی ادله، تفکیک میان مستندات الزام‌آور و مؤیدات انگیزشی و تعیین نسبت این مسئله با جهاد دفاعی و دیگر عناوین فقهی مرتبط است. بر همین اساس، پژوهش حاضر در صدد است نشان دهد که دفاع از حرم‌ها را نمی‌توان صرفاً در سطح احساسات دینی یا توصیه‌های ارزشی تحلیل کرد، بلکه این مسئله در فرض تحقق تهدید، واجد پشتوانه استدلالی در فقه امامیه بوده و از حیث نوع تکلیف نیز قابل تحلیل و تفکیک است.

۲. مفاهیم و کلیات

برای ورود دقیق به بحث، لازم است مفاهیم کلیدی از منظر لغت و اصطلاح فقهی تبیین گردد تا از خلط میان عناوین فقهی متفاوت جلوگیری شود. تبیین مفاهیم «جهاد»، «دفاع» و «حرم»، به عنوان ارکان مفهومی این پژوهش، زمینه تحلیل صحیح ادله نقلی و قواعد فقهی را فراهم می‌سازد.

۲-۱. مفهوم جهاد و دفاع

برای تحلیل فقهی دفاع از حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام)، تبیین دقیق مفهوم «جهاد» و تفکیک اقسام آن، امری ضروری است؛ زیرا اختلاف در ماهیت حکم دفاع از حرم، در واقع به اختلاف در تشخیص عنوان جهاد (ابتدایی یا دفاعی) باز می‌گردد.

الف. جهاد در لغت

«جهاد» از ریشه «جهد» و به معنای طاقت، کوشش و به کارگیری نهایت توان است. راغب اصفهانی نیز می‌نویسد: «الجهاد و المجاهدة: استفراغ الوسع فی مدافعة العدو»؛ یعنی به کارگیری همه توان در دفع دشمن. از این منظر، عنصر «مدافعه» در هسته معنایی جهاد

نقش محوری دارد و جهاد، منحصر در حمله ابتدایی نیست، بلکه هرگونه تلاش همه جانبه برای مقابله با دشمن را در بر می گیرد.

ب. جهاد در اصطلاح فقهی

در اصطلاح فقه امامیه، جهاد به بذل جان، مال و توان در راه دفاع از دین و مقابله با دشمنان اسلام اطلاق می شود. صاحب جواهر جهاد را چنین تعریف می کند: «بذل النفس و المال و الوسع فی مدافعة المشرکین و الباغین علی وجه مخصوص» (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۱: ۳). این تعریف نشان می دهد که مدافعه با دشمن و دفع بغی، از عناصر اساسی مفهوم جهاد در فقه امامیه است.

فقها با توجه به دلیل و غایت قتال، جهاد را به دو قسم اصلی تقسیم کرده اند:

۱. جهاد ابتدایی و شرط اذن حاکم مشروع

جهاد ابتدایی به معنای پیکار با کافران برای دعوت به اسلام یا رفع موانع گسترش دعوت دینی، از دیرباز محل بحث میان فقهای امامیه بوده است. دیدگاه مشهور، مشروعیت این نوع جهاد را به حضور یا اذن خاص امام معصوم (علیه السلام) مشروط می داند و از همین رو، تحقق آن را در عصر غیبت محل اشکال یا متوقف بر اذن معصوم تلقی می کند. بر این اساس، بسیاری از فقها جهاد ابتدایی را از دایره مسائل قابل تحقق در عصر غیبت خارج دانسته اند (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۱: ۳؛ خویی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱: ۳۶۶).

در مقابل، برخی از فقهای متأخر، با اتنا بر نظریه ولایت فقیه و اختیارات حاکم شرع در عصر غیبت، تحلیل متفاوتی ارائه کرده اند. امام خمینی بر آن است که شئون حکومتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) در عصر غیبت به فقیه جامع الشرایط واگذار می شود. بر این مبنا، اگر شرایط و مصالح عالی اسلام اقتضا کند، طرح جهاد ابتدایی از حیث نظری قابل تصور است؛ هر چند تحقق خارجی آن همچنان تابع شرایط عینی، سیاسی و اجتماعی خواهد بود (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۴۵۲). بر اساس این دیدگاه، اذن امام معصوم (علیه السلام) صرفاً ناظر به شخصیت فردی امام نیست، بلکه به جایگاه ولایت و حاکمیت مشروع دینی باز می گردد؛

جایگاهی که در عصر غیبت، فقیه جامع الشرایط عهده‌دار آن است. برخی دیگر از فقهای قائل به ولایت فقیه نیز با درجاتی از احتیاط، همین مسیر را دنبال کرده‌اند و توقف مطلق جهاد ابتدایی در عصر غیبت را قابل مناقشه دانسته‌اند؛ هرچند در مقام عمل، تحقق شرایط آن را بسیار محدود یا منتفی می‌شمارند.

مقایسه و نتیجه مفهومی

با وجود اختلاف نظر در باب جهاد ابتدایی، نکته اساسی آن است که این نزاع فقهی به همان قلمرو محدود می‌شود و در اصل مشروعیت و وجوب جهاد دفاعی، اختلاف معتبری میان فقهای امامیه دیده نمی‌شود. از این رو، دفاع از حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام) در فرض هجوم بالفعل دشمن، از قلمرو جهاد ابتدایی خارج است و باید ذیل عنوان جهاد دفاعی تحلیل شود. این تفکیک، از خلط مباحث نظری فقه سیاسی با حکم فقهی دفاع از حرم‌ها جلوگیری می‌کند و مانع از آن می‌شود که شروط جهاد ابتدایی به نادرست به مسئله دفاع از مقدسات سرایت داده شود.

۲. جهاد دفاعی

در مقابل، جهاد دفاعی ناظر به دفع تجاوز دشمن از جان، مال، ناموس و مقدسات مسلمانان است. این قسم، به اتفاق فقهای امامیه، در صورت تحقق هجوم و خطر واقعی واجب است و به اذن خاص امام معصوم (علیه السلام) نیاز ندارد؛ زیرا ماهیت آن بر دفع ظلم و حفظ کیان جامعه اسلامی استوار است (انصاری، ۱۴۱۹ق، ج ۳: ۱۵۳؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱: ۳). افزون بر این، برخی فقهای امامیه با پذیرش نظریه ولایت فقیه، اختیارات حاکم شرع را در تنظیم و اداره امور دفاعی جامعه اسلامی حتی در مواردی فراتر از مرزهای جغرافیایی، قابل طرح دانسته‌اند.

بر این اساس، هرگاه تعرض به مقدسات و نمادهای دینی، به مثابه تعرض به یکی از ارکان هویت اسلامی احراز شود، اصل مشروعیت دفاع از آن را می‌توان ذیل جهاد دفاعی تحلیل کرد. این نکته، بحث را از سطح واکنش‌های صرفاً احساسی فراتر می‌برد و آن را در

چهار چوبی فقهی و منضبط قرار می‌دهد. بر همین مبنا، در ادامه، مفهوم «حرم» و نسبت آن با «شعائر» بررسی می‌شود.

۲-۲. مفهوم حرم و شعائر

تشخیص دقیق موضوع «حرم» و تبیین جایگاه فقهی آن، در داوری درباره مشروعیت و وجوب دفاع از آن نقشی اساسی دارد؛ زیرا هر حکم تکلیفی، تابع احراز درست موضوع است. اگر «حرم» تنها به یک بنای فیزیکی یا اثر تاریخی فروکاسته شود، موضوع به درستی شناخته نخواهد شد و در نتیجه، استنتاج فقهی نیز دچار خطا می‌شود.

الف. مفهوم «حرم» در لغت و اصطلاح

واژه «حرم» در لغت، به چیزی گفته می‌شود که تعرض و هتک آن ممنوع و نارواست. ابن منظور «حُرمة» را چنین تعریف می‌کند: «ما لا یحلّ انتهاکه»؛ یعنی چیزی که تجاوز به آن روا نیست (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ذیل واژه «حرم»). بر این اساس، «حرمت» مفهومی هنجاری و ارزشی است و تنها به جنبه مادی و جسمانی اشیا محدود نمی‌شود. در اصطلاح فقهی، «حرم» به مکان یا امری گفته می‌شود که به سبب انتساب ویژه به خداوند یا اولیای الهی، از احترام مضاعف شرعی برخوردار است و هتک، اهانت یا تخریب آن، تعدی به حدود الهی شمرده می‌شود. حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام) نیز به دلیل انتساب مستقیم به ایشان و قرار گرفتن در شمار مظاهر دینی مورد تعظیم شارع از چنین جایگاهی برخوردارند.

ب. حرم اهل بیت (علیهم السلام) و نسبت آن با «بیوت مکرمه»

یکی از مهم‌ترین مستندات قرآنی در تبیین شأن حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام) آیه شریفه «فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ» (نور، ۳۶) است. مفسران شیعه، از جمله علامه طباطبایی با توسعه معنای «بیوت»، آن را منحصر در مسجد ندانسته و شامل خانه‌ها و مکان‌هایی نیز دانسته‌اند که به اولیای الهی منسوب‌اند و محل یاد خداوند به شمار می‌آیند (طباطبایی، ۱۳۹۳ ق، ج ۱۰: ۳۴۱). بر این اساس، حرم‌های مطهر، نه تنها محل دفن اولیای الهی، بلکه کانون استمرار یاد، تولی و هویت دینی هستند و از این رو، مشمول

اذن الهی در تعظیم و رفعت هستند. چنین نگاهی، هرگونه تعرض به این اماکن را از سطح تخریب مادی فراتر برده و آن را مصداق هتک «حرمت الهی» قرار می‌دهد.

ج. مفهوم «شعائر»

شعائر جمع «شعیره»، به معنای نشانه و علامت است. در اصطلاح قرآنی و فقهی، شعائر الهی به هر امری اطلاق می‌شود که نشانه اطاعت خداوند و رمز هویت دینی جامعه اسلامی باشد. قرآن کریم تصریح می‌کند: «وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج، ۳۲). بسیاری از فقیهان امامیه، تعظیم همه مظاهر دینی شناخته شده را با عنوان «شعائر» داخل کرده‌اند؛ به گونه‌ای که هر آنچه به نحو متعارف، رمز و نماد دین و مذهب تلقی شود، مشمول حکم تعظیم و حرمت هتک خواهد بود (ر.ک: نراقی، ۱۴۱۵ ق ج ۱۴: ۱۱۸-۱۲۰؛ بحرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۳: ۵۹). افزون بر این، با استناد به روایات تفسیری، برخی مفسران شیعه «بیوت» را در آیه شریفه ۳۶ سوره مبارکه نور "فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذْكَرَ"، منحصر در مساجد ندانسته و خانه‌ها و مشاهد منسوب به اهل بیت (علیهم السلام) را نیز داخل در آن دانسته‌اند (بحرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۳: ۵۹).

د. نتیجه موضوع شناختی

برای تبیین‌های لغوی، قرآنی و فقهی نشان می‌دهد که «حرم» مفهومی صرفاً مادی یا تاریخی نیست، بلکه حیثیتی دینی، هویتی و نمادین دارد. از این رو، تعرض به حریم‌های اهل بیت (علیهم السلام) تنها تجاوز به یک بنا نیست، بلکه مصداق روشن هتک شعائر الهی و تهدید کیان هویتی تشیع است. این تحلیل موضوع شناختی، مبنای مهمی برای تطبیق ادله جهاد دفاعی، قاعده نفی سبیل و حفظ بیضه اسلام بر مسئله دفاع از حرم در ادامه پژوهش فراهم می‌آورد.

۲-۳. پیشینه تاریخی تخریب و دفاع از حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام)

مرور تاریخ تشیع نشان می‌دهد که تعرض به حرم‌ها و اماکن منتسب به اهل بیت (علیهم السلام)، پدیده‌ای گذرا یا صرفاً معاصر نیست؛ بلکه همواره یکی از ابزارهای فشار سیاسی و عقیدتی

بر جامعه شیعی بوده است. تخریب یا تهدید حرم‌ها نیز غالباً نه از سر خصومت با یک بنای صرف، بلکه با هدف تضعیف هویت مذهبی و گسستن پیوند اعتقادی و عاطفی شیعیان با اهل بیت (علیهم السلام) صورت گرفته است. یکی از نمونه‌های برجسته تاریخی، اقدام متوکل عباسی در تخریب قبر مطهر امام حسین (علیه السلام) و جلوگیری از زیارت آن حضرت است. گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که سیاست‌های متوکل، نمادی از خصومت ساختاری با تشیع بود و حاکمیت وقت، زیارت و بقای حرم حسینی را تهدیدی برای اقتدار خود می‌دانست. این رویکرد، حرم را از یک مکان مذهبی صرف، به نمادی از مقاومت هویتی تبدیل کرد.

در روزگار معاصر، با ظهور جریان‌های تکفیری مانند داعش، تخریب حرم‌ها وارد مرحله‌ای تازه شد. تهدید و تلاش برای انهدام حرم امامین عسکریین (علیهم السلام) در سامرا و نیز اعلام رسمی قصد تخریب حرم حضرت زینب (علیها السلام) در سوریه، نشان داد که حرم‌ها در جنگ‌های جدید عقیدتی، به عنوان اهدافی نمادین انتخاب می‌شوند. در این چهارچوب، تخریب حرم تنها یک اقدام فیزیکی نیست، بلکه بخشی از جنگ روانی و رسانه‌ای علیه هویت شیعی به شمار می‌آید. در برابر این تهدیدها، واکنش جامعه شیعی و مراجع دینی، غالباً در قالب صدور فتوا، بسیج اجتماعی و تأکید بر لزوم دفاع از اماکن مقدسه شکل گرفته است. این واکنش‌ها نشان می‌دهد که در منطق فقه امامیه، حرم‌ها صرفاً ابنیه بی جان نیستند، بلکه جایگاه آن‌ها به عنوان شعائر الهی و نمادهای هویت مذهبی، دفاع از آن‌ها را به یک مسئله فقهی اجتماعی تبدیل می‌کند.

۳. مبانی عام قرآنی و روایی (ادله نقلی)

در این بخش، ادله‌ای بررسی می‌شود که به صورت عام بر لزوم دفاع در برابر ظلم و تجاوز دلالت دارند و دفاع از حرم‌ها در فرض تحقق تهدید جدی، می‌تواند از مصادیق دفاع شرعی و حفظ شعائر تلقی شود. تأکید این بخش بر آن است که دفاع از حرم، پیش از آنکه عنوانی مستقل در فقه باشد، ذیل عمومات و اطلاقات باب دفاع قابل تبیین است.

۳-۱. آیات جهاد دفاعی و نفی ظلم

قرآن کریم اصل دفاع در برابر ظلم و تجاوز را به عنوان حقی مشروع، بلکه در مواردی تکلیفی دینی، به رسمیت شناخته است. در آیات متعدد، اذن قتال نه بر پایه توسعه طلبی یا تحمیل دین، بلکه بر اساس دفع ظلم و رفع تجاوز استوار شده است. این چهارچوب، مبنای اصلی جهاد دفاعی در فقه امامیه به شمار می‌رود.

۳-۱-۱. آیه اذن در قتال (سوره حج، آیه ۳۹)

خداوند متعال می‌فرماید: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج، ۳۹).

بنابر نظر مشهور مفسران، این آیه نخستین آیه‌ای است که به صراحت اذن قتال را صادر کرده است. نکته محوری در این آیه، تعلیل حکم به «مظلوم واقع شدن» است؛ بدین معنا که ملاک مشروعیت قتال، نه آغاز جنگ، بلکه تحقق ظلم و تجاوز است. علامه طباطبایی نیز تصریح می‌کند که این آیه، اصل فطری دفاع از حق در برابر تعدی را امضا کرده و آن را در قالب حکم شرعی تثبیت کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۶۲). در تطبیق این ملاک بر مسئله مورد بحث، باید گفت تعرض سازمان یافته به حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام) صرفاً تخریب یک بنا نیست، بلکه نوعی ظلم آشکار به جامعه مؤمنان و اعتقادات مذهبی آنان به شمار می‌آید. حقوق دینی و معنوی، همانند حقوق مادی، در شریعت از حرمت برخوردارند و نقض آن‌ها می‌تواند مشمول عنوان ظلم قرار گیرد؛ بنابراین، هرگاه اماکن مقدسی که محل تعظیم شعائر و تجلی هویت مذهبی‌اند، هدف حمله واقع شوند، انطباق عنوان ظلم بر این وضعیت موجه خواهد بود و در نتیجه، شمول اذن دفاع بر آن، بر پایه اطلاق آیه، قابل استظهار است.

۳-۱-۲. آیه مقابله به مثل در دفاع (سوره بقره، آیه ۱۹۴)

خداوند در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «فَمَنِ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ» (بقره، ۱۹۴).

این آیه، قاعده‌ای کلی در باب دفاع مشروع بیان می‌کند؛ بدین معنا که تجاوز دشمن، حق مقابله متناسب را برای طرف مورد تجاوز پدید می‌آورد. نکته مهم آن است که خطاب آیه ناظر به دفع اعتداء است، نه انتقام جویی یا توسعه طلبی. قید «بِمِثْلِ مَا اغْتَدَى عَلَيْكُمْ» نیز بر رعایت تناسب و پرهیز از تجاوز از حد ضرورت دفاعی دلالت دارد.

علامه طباطبایی این آیه را ناظر به تثبیت یک اصل عقلایی می‌داند که شارع مقدس آن را تنفیذ کرده است؛ یعنی اصل مقابله با تجاوز، رفتاری ریشه‌دار در عقل عملی انسان است که شریعت آن را در چهار چوبی اخلاقی و حقوقی سامان داده است (همان). بر این اساس، اگر دشمن با ابزار نظامی امنیت مقدسات دینی را هدف قرار دهد، مقابله دفاعی متناسب نه تنها مجاز، بلکه در مواردی لازم خواهد بود.

تطبیق این آیه بر دفاع از حرم نشان می‌دهد که هرگاه تجاوز به مرحله تخریب، اشغال یا تهدید جدی اماکن مقدس برسد، سکوت و ترک دفاع به معنای پذیرش اعتداء و استمرار ظلم خواهد بود. از این رو، دفاع مسلحانه در چنین وضعی، نه خروج از قاعده، بلکه عین التزام به منطق قرآنی دفاع است.

۳-۲. آیات ناظر به حرمت مقدسات و تعظیم شعائر

در کنار آیاتی که به طور عام بر جواز، بلکه لزوم دفاع در برابر ظلم دلالت دارند، قرآن کریم در برخی آیات، جایگاه ویژه مقدسات و شعائر الهی را نیز تبیین کرده است. این آیات، هر چند مستقیم در مقام تشریع قتال نیستند، با اثبات حرمت هتک مقدسات و لزوم تعظیم آن‌ها، زمینه استنباط وجوب دفاع از حرم‌ها را در فرض تهدید فراهم می‌کنند.

۳-۲-۱. آیه تعظیم شعائر (سوره حج، آیه ۳۲)

خداوند متعال می‌فرماید: «ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج، ۳۲).

«شعائر» جمع «شعیره» و به معنای نشانه‌ها و نمادهایی است که بر دین و عبادت الهی

دلالت دارند. بسیاری از مفسران، شعائر را به اعمال خاص حج محدود نکرده‌اند و هر آنچه مظهر یاد خدا و دین او باشد، در شمول این عنوان دانسته‌اند. طبرسی نیز اطلاق آیه را ناظر به هر امر دینی می‌داند که تعظیم آن، نشانه تقوای قلبی است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۳۴۰). در چهارچوب فقه امامیه، حرم‌های منسوب به اهل بیت (علیهم السلام) از روشن‌ترین مصادیق شعائر الهی‌اند؛ زیرا این اماکن، هم یادآور مقام اولیای الهی‌اند و هم کانون‌های عینی زیارت، مناسک دینی و هویت مذهبی شیعیان به‌شمار می‌آیند. از این‌رو، هرگونه تعرض به این اماکن، به‌طور مستقیم با عنوان هتک شعائر قابل انطباق است. نکته مهم آن است که آیه، تعظیم شعائر را صرفاً یک توصیه اخلاقی یا امر مستحب معرفی نمی‌کند، بلکه آن را نشانه‌ای از تقوای دل‌ها می‌داند. بر این اساس، اگر شعائر الهی در معرض نابودی یا هتک قرار گیرند، مسئله از سطح ترجیح عاطفی فراتر می‌رود و به قلمرو تکلیف دینی وارد می‌شود؛ تکلیفی که ترک آن، به معنای تن دادن به هتک شعائر الهی است.

۳- ۲- آیه بیوت مأذون و حرمت هتک اماکن مقدس (سوره نور، آیه ۳۶)

خداوند در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ» (نور، ۳۶).

این آیه به «بیوتی» اشاره دارد که خداوند اذن داده است رفعت یابند و ذکر نام او در آن‌ها جاری باشد. مفسران شیعه و اهل سنت، مصادیق این بیوت را فراتر از مساجد دانسته‌اند و بنا بر روایات متعدد، خانه‌ها و مشاهد منسوب به اهل بیت (علیهم السلام) نیز در شمول این آیه قرار می‌گیرند (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۵۹). مفهوم «اذن» و «رفع» در این آیه، صرفاً ناظر به اجازه ساخت یا آبادانی ظاهری نیست، بلکه دلالت التزامی بر حرمت تنقیص، تخریب و هتک این اماکن دارد. هنگامی که شارع به‌طور خاص به «رفعت» مکانی اذن می‌دهد، هر فعلی که منجر به سقوط، تحقیر یا نابودی آن شود، در تعارض مستقیم با اراده تشریعی الهی قرار می‌گیرد.

بر این اساس، اگر حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام) که محل ذکر خدا و تجلی شعائر دینی‌اند،

در معرض تهدید جدی قرار گیرند، دفاع از آن‌ها دفاع از یک ساختمان صرف نیست، بلکه دفاع از امری است که شارع برای آن حرمت و رفعت مقرر کرده است. از همین جا پاسخ شبهه‌ای که حرم را «جماد» دانسته و ارزش جان انسان را بر آن مقدم می‌شمارد نیز روشن می‌شود؛ زیرا موضوع دفاع، صرف ماده خارجی نیست، بلکه شأن و حرمتی است که شریعت به آن بخشیده است.

۳-۳. روایات ناظر به دفاع از مظلومه و حریم

در کنار آیات قرآن کریم، روایات متعددی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومان (علیهم السلام) بر مشروعیت و در مواردی بر مطلوبیت مؤکد دفاع در برابر تجاوز به حقوق اساسی انسان دلالت دارد. این روایات، هر چند غالباً با عناوینی چون نفس، مال و حریم بیان شده‌اند، ظرفیت آن را دارند که با تحلیل فقهی به حوزه مقدسات دینی نیز تسری یابند.

۳-۳-۱. روایت «من قُتِلَ دُونَ مَظْلَمَتِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ» و قلمرو مظلومه

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند: «مَنْ قُتِلَ دُونَ مَظْلَمَتِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ» (حر عاملی، ج ۱۵: ۱۲۱).

واژه «مظلومه» در لغت، به حقی گفته می‌شود که به ناحق تضییع شده یا در معرض تضییع قرار گرفته است. اطلاق این تعبیر نشان می‌دهد که مظلومه به حقوق مادی محدود نیست، بلکه هر حقی را که شارع برای آن حرمت قائل شده باشد، دربر می‌گیرد.

حقوق اعتقادی و دینی نیز بخشی از حقوق بنیادین انسان در فقه اسلامی به‌شمار می‌آید. در فقه اسلامی، حقوق اعتقادی و دینی، همچون حق بر ایمان، حق بر شعائر و حق بر امنیت عقیده، ذیل عناوین کلانی چون حفظ دین و صیانت از بیضه اسلام، از حقوق بنیادین انسان مؤمن به‌شمار می‌آید. بر اساس قاعده «لاضرر» و اصولی مانند «حرمت هتک مقدسات»، شارع مقدس نه تنها تعرض مستقیم به جان و مال مؤمنان را ممنوع کرده، بلکه تعرض به مقدسات و نمادهای هویتی آنان را نیز منکری شدید دانسته است (نراقی، ۱۴۱۷ ق: ۲۵۳-۲۵۵؛ خمینی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۴۸۹). از این رو، هنگامی که یک مکان مقدس در هویت دینی و اعتقادی جامعه مؤمنان نقشی محوری دارد، تعرض به آن

در واقع تعرض به حق معنوی آنان است. با این تلقی از مفهوم «مظلومه»، می‌توان دفاع از حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام) را نیز در دایره دفاع دون المظلومة قرار داد. از این منظر، می‌توان حقوق اعتقادی و دینی را در کنار حقوقی چون حق حیات و حق امنیت، در شمار حقوق بنیادین انسان در نظام حقوقی اسلام دانست؛ هرچند اصطلاح «حقوق بنیادین» در ادبیات فقهی سنتی به کار نرفته است.

نکته قابل توجه آن است که تعبیر «شهید» در این روایت، صرفاً ناظر به ثواب اخروی نیست، بلکه در منطق فقه امامیه، حمل این عنوان بر مقتول، متفرع بر مشروعیت و رجحان شدید فعل دفاعی است؛ بنابراین، روایت مزبور دست کم ظهور قابل اعتنایی در مشروعیت دفاع دارد و با انضمام سایر ادله، می‌تواند در تقویت دلالت بر لزوم دفاع نقش ایفا کند.

۳-۲. خطبه جهاد امیرالمؤمنین (علیه السلام) و تقدم دفاع پیش‌دستانه

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در خطبه مشهور جهاد می‌فرماید: «وَاللَّهِ مَا غَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِی عُقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا» (نهج البلاغه، خطبه ۲۷)

این بیان، ناظر به یک قاعده عقلایی و اجتماعی در حوزه دفاع است: هرگاه جامعه‌ای دفاع را به درون سرزمین و حریم خود موکول کند و از دفع تهدید در مراحل اولیه غفلت ورزد، نتیجه‌ای جز ذلت و تضعیف نخواهد داشت. از این منظر، دفاع پیش‌دستانه در برابر تهدیدهای جدی، نه تنها منافاتی با اصل دفاع ندارد، بلکه می‌تواند مصداقی از صیانت عقلایی از حریم و دفع مفسده اعظم باشد. هرچند نباید از این نکته غافل شد که تمسک به ادله این‌چنینی مستلزم احراز ویژگی‌هایی نظیر قطعیت، شدت، عقلایی و قریب الوقوع بودن تهدید است تا از افتادن در دام توجیه بی‌ضابطه حمله ابتدایی در امان بمانیم. با تطبیق این معنا بر مسئله دفاع از حرم‌ها، می‌توان گفت که مقابله با تهدیدات سازمان‌یافته علیه اماکن مقدس، پیش از تحقق تخریب کامل، در راستای همین منطق دفاعی قابل تحلیل است.

۳-۳-۳. جایگاه روایات در منظومه استدلال فقهی

روایات یادشده، به تنهایی مدعی تشریع یک حکم مستقل جدید خارج از چهارچوب ادله دفاع نیستند، بلکه در منظومه استدلال فقهی، دو کارکرد اساسی دارند:

توسعه موضوع ادله دفاع: این روایات نشان می‌دهد که موضوع دفاع، منحصر به «نفس و مال شخصی» نیست، بلکه شامل هر مظلمه‌ای می‌شود که شارع آن را معتبر دانسته است؛ از جمله مظلومه اعتقادی و دینی.

تقویت دلالت الزامی آیات: هنگامی که آیات قرآن بر جواز و لزوم دفاع در برابر ظلم دلالت دارند، روایات، با بیان مصادیق و ترتب عنوان شهادت، این دلالت را در سطح عملی و اجتماعی تأکید می‌کنند.

برایند روایات یادشده نشان می‌دهد که سنت معصومان (علیهم السلام) با توسعه موضوع دفاع، آن را منحصر در جان و مال شخصی ندانسته و دفاع از «مظلومه» و «حریم» را نیز دربر می‌گیرد. هر چند این روایات به تنهایی متکفل تعیین گستره و حدود دقیق دفاع نیستند و توان اثبات حکم الزام‌آور مستقل را ندارند؛ اما در کنار آیات جهاد دفاعی، بر مشروعیت اصل دفاع در برابر تعرض به حقوق دینی و اعتقادی دلالت دارند. از این رو، روایات مزبور بیش از آنکه نقش «دلیل مستقل» داشته باشند، زمینه تقویت و تأیید ادله عام دفاع را فراهم ساخته و مسیر استنباط حکم فقهی دفاع از حرم‌ها را در چهارچوب قواعد فقهی هموار می‌کنند.

۴. قواعد فقهی خاص و تحلیل قاعده‌محور دفاع از حرم

پس از تبیین مبانی قرآنی و روایی دفاع در برابر ظلم و تجاوز، اکنون نوبت به بررسی قواعد فقهی خاصی می‌رسد که می‌توانند به صورت مستقیم یا حاکم، مبنای استنباط حکم وجوب دفاع از حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام) قرار گیرند. امتیاز این مرحله از بحث، حرکت از استدلال‌های کلی به سمت تحلیل قاعده‌محور و تفکیک دقیق میان «دلیل فقهی» و «حکمت حکم» است؛ امری که از خلط مباحث عاطفی یا سیاسی با فرایند استنباط

فقهی جلوگیری می‌کند.

۴- ۱. قاعده نفی سبیل (دلیل حاکم)

۴- ۱- ۱. تبیین قاعده نفی سبیل

قاعده «نفی سبیل» از مهم‌ترین قواعد فقه سیاسی و اجتماعی در فقه امامیه است که مستند اصلی آن آیه شریفه زیر است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱). فقها با استناد به این آیه، قاعده‌ای کلی استنباط کرده‌اند مبنی بر اینکه شارع مقدس، هیچ‌گونه راه تسلط، برتری و نفوذی را اعم از حقوقی، سیاسی، نظامی یا فرهنگی برای کافران بر جامعه مؤمنان تشریع نکرده است. واژه «سبیل» به صورت نکره در سیاق نفی آمده و از این رهگذر، دلالت بر عموم دارد؛ به این معنا که هر نوع سلطه‌ای که به تضعیف جایگاه مؤمنان بینجامد، مشمول نفی شارع است.

در فقه امامیه، قاعده نفی سبیل نه تنها یک حکم اخلاقی یا ارشادی، بلکه قاعده‌ای حاکم بر سایر ادله تلقی شده است. از این رو، در موارد تزام یا تعارض ظاهری، این قاعده می‌تواند دامنه مشروعیت برخی افعال یا ترک افعال را تعیین کند (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۲۵۸).

۴- ۱- ۲. قلمرو قاعده نفی سبیل

بررسی آثار فقهی نشان می‌دهد که بسیاری از فقها قلمرو «سبیل» را منحصر در سلطه نظامی ندانسته و شمول آن بر سایر عرصه‌ها را نیز محتمل دانسته‌اند، بلکه هرگونه وضعیتی که عرفاً موجب علو، تفوق یا تحقیر جبهه مؤمنان شود، در دایره این عنوان داخل است. از این رو، تسلط فرهنگی، اعتقادی و نمادین نیز می‌تواند مصداق سبیل باشد.

صاحب جواهر الکلام در موارد متعدد، به ملازمه میان نفی سبیل و لزوم صیانت از شوکت و عزت جامعه اسلامی اشاره می‌کند و آن را از لوازم روشن این قاعده می‌داند. بر همین

اساس، هر وضعیتی که به فروکاست جایگاه اسلام و مسلمین در برابر دشمن بینجامد، نمی تواند مورد امضای شارع واقع شود.

۴- ۱- ۳. تطبیق قاعده نفی سبیل بر دفاع از حرم

اماکن مقدسه و حرم های اهل بیت (علیهم السلام) در فرهنگ شیعی، صرفاً بناهایی تاریخی یا عبادی نیستند؛ بلکه نقش نمادین و هویتی در حفظ انسجام اعتقادی و اجتماعی شیعه ایفا می کنند. تعرض به این اماکن، افزون بر هتک حرمت شعائر الهی، واجد پیامدهای گسترده اعتقادی و روانی برای جامعه دینی است.

از منظر قاعده نفی سبیل، تخریب یا تهدید حرم ها در صورتی که به تضعیف هویت مذهبی، ایجاد احساس تحقیر دینی و برتری دشمن در عرصه نمادهای دینی بینجامد، مصداقی از «ایجاد سبیل» به شمار می رود. سکوت یا ترک دفاع در چنین شرایطی، به طور ضمنی به تثبیت این سلطه و تفوق منجر می شود و با مفاد قاعده نفی سبیل سازگار نیست؛ بنابراین، دفاع از حرم ها را می توان از باب دفع مقدمه تحقق سبیل تحلیل کرد؛ بدین معنا که چون استمرار تهدید، زمینه تسلط و برتری دشمن را فراهم می سازد، مقابله با آن از حیث فقهی لازم می گردد. این لزوم، ناظر به اصل دفاع است و تعیین کیفیت، گستره و شیوه آن، تابع ضوابط عام دفاع و موازین فقهی مرتبط خواهد بود.

۴- ۱- ۴. نتیجه قاعده محور

نتیجه آنکه قاعده نفی سبیل، به عنوان قاعده ای حاکم، دلالت دارد که شارع مقدس تحقق هیچ گونه سلطه و تفوق دشمن بر مؤمنان را بر نمی تابد. هرگاه تهدید اماکن مقدسه به گونه ای باشد که به تضعیف جایگاه اعتقادی و اجتماعی تشیع بینجامد، دفاع از آن ها در چهار چوب ضوابط جهاد دفاعی، امری مشروع و بلکه لازم خواهد بود. بدین سان، قاعده نفی سبیل یکی از مبانی فقهی مهم در تبیین وجوب دفاع از حرم ها به شمار می آید.

۴-۲. حرمت هتک مقدسات و وجوب تعظیم شعائر

یکی از مبانی مهم فقهی در تبیین حکم دفاع از حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام)، قاعده حرمت «هتک مقدسات» و در سوی دیگر، وجوب «تعظیم شعائر الهی» است. این قاعده واجد دو بُعد سلبی و ایجابی است که هر یک به گونه‌ای مستقل، اما هم‌افزا، در استنباط حکم دخالت دارند.

۴-۲-۱. حرمت هتک مقدسات (جنبه سلبی)

در فقه امامیه، هتک مقدسات دینی از مسلمات فقهی به شمار می‌آید و از مصادیق بارز منکرات شدید محسوب می‌شود. «هتک» به معنای شکستن حرمت و از میان بردن قداست امری است که شارع برای آن احترام ویژه قائل شده است. مفاد این قاعده ناظر به آن است که هر فعل یا ترک فعلی که عرفاً موجب استخفاف به دین، شعائر یا مقدسات الهی شود، ممنوع و حرام است.

فقه‌ها در ابواب مختلف فقهی، بر لزوم صیانت از حرمت اماکن و اشیای مقدس تأکید کرده‌اند. صاحب جواهر الکلام در بحث احترام مؤمن، تصریح می‌کند که حرمت مؤمن پس از مرگ، همانند حرمت او در حال حیات است و هرگونه تعرض به بدن یا قبر او، از مصادیق هتک محسوب می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۳۳۰) به طریق اولی، تعرض به مضاجع معصومان (علیهم السلام) و اولیای الهی که جایگاهی ممتاز در ساختار دینی و اعتقادی شیعه دارند، مصداق روشن هتک حرمت الهی خواهد بود.

بر این اساس، تخریب، تهدید یا بی‌حرمتی نسبت به حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام)، صرفاً یک تخلف فرهنگی یا تاریخی نیست، بلکه فعل حرامی است که مستقیم با یکی از محرمات قطعی شریعت در تعارض قرار دارد. از این‌رو، دفع این هتک در صورت تحقق شرایط و توان ذیل قاعده وجوب نهی از منکر و دفع منکر شدید، بر مکلفان متمکن لازم می‌شود.

۴-۲-۲. وجوب تعظیم شعائر الهی (جنبه ایجابی)

در کنار حرمت هتک، قرآن کریم بر وجوب «تعظیم شعائر» تأکید کرده است: «ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمَ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج، ۳۲).

شعائر الله در فقه و تفسیر، به هر آنچه نشانه‌ای آشکار از دین، بندگی و نسبت خاص با خداوند متعال باشد اطلاق می‌شود. فقها و مفسران، مصادیق شعائر را منحصر به اعمال حج ندانسته و هر نماد برجسته دینی را که نقش هویتی در حفظ دین ایفا می‌کند، داخل در این عنوان دانسته‌اند. حرم‌های مطهر اهل بیت (علیهم السلام)، به سبب انتساب ویژه به ذوی القربی و جایگاه محوری آن‌ها در فرهنگ زیارت، از اظهر مصادیق شعائر الهی در مذهب امامیه به شمار می‌آیند.

تعظیم شعائر، صرفاً به معنای احترام قلبی یا زبانی نیست، بلکه در شرایط تهدید، می‌تواند به صورت عملی و حتی ایجابی تحقق یابد. بدیهی است که در وضعیتی که اصل شعیره در معرض نابودی یا هتک گسترده قرار دارد، تعظیم آن بدون اقدام مؤثر برای حفظش، فاقد تحقق خارجی خواهد بود. از این رو، دفاع از شعائر در مقام تزاحم، می‌تواند مصداق بارز تعظیم عملی شعائر تلقی شود.

۴-۲-۳. نسبت میان هتک، تعظیم و دفاع

تحلیل فقهی نشان می‌دهد که میان حرمت هتک مقدسات و وجوب تعظیم شعائر، نوعی ملازمه برقرار است: هر جا هتک شدید شعیره‌ای در شرف تحقق باشد، تعظیم آن اقتضا می‌کند که از این هتک جلوگیری شود. اگر جلوگیری، متوقف بر اقدام دفاعی باشد، دفاع نه به عنوان امری عاطفی، بلکه به عنوان مقدمه واجب تعظیم، مشروع و بلکه لازم خواهد بود.

بر این مبنا، دفاع از حرم‌ها نه صرفاً از آن جهت که «بنا» یا «اثر تاریخی» هستند، بلکه به اعتبار جایگاه شعائری و کارکرد هویتی آن‌ها در دین، واجد پشتوانه فقهی است. این تحلیل، با قواعد پیش گفته (به ویژه قاعده نفی سبیل) هم‌پوشانی دارد، اما از حیث

مبنای عبادی، استدلالی مستقل محسوب می شود.

۴-۲-۴. جمع بندی

نتیجه آنکه قاعده حرمت هتک مقدسات و وجوب تعظیم شعائر الهی، دلالت دارد که تعرض به حرم های اهل بیت (علیهم السلام) منکری شدید و غیر قابل تسامح است و دفع آن، در صورت تحقق شرایط، بر مکلفان توانمند لازم می گردد. از این منظر، دفاع از حرم های یکی از مصادیق روشن تعظیم شعائر در شرایط خاص تهدید و هجوم محسوب می شود و می تواند به عنوان یکی از مبانی مستقل فقهی وجوب دفاع از حرم، مورد استناد قرار گیرد.

۴-۳. قاعده حفظ بیضه اسلام

قاعده «حفظ بیضه اسلام» از قواعد مهم فقهی در حوزه صیانت از کیان دین به شمار می آید. مقصود از این قاعده، لزوم پاسداری از اصل موجودیت، هویت جمعی و ساختارهای نمادین دین در برابر هرگونه تهدیدی است که بتواند به تضعیف یا زوال آن بینجامد. بر این اساس، هرگاه اساس اسلام یا یکی از ارکان هویتی آن در معرض تعرض جدی قرار گیرد، دفاع و دفع تهدید، نه صرفاً یک ترجیح اخلاقی، بلکه تکلیفی شرعی خواهد بود.

در فقه امامیه، این قاعده به ویژه در مواردی کاربرد می یابد که تهدید، تنها متوجه یک فرد یا یک مکان عادی نیست، بلکه متوجه یکی از نمادهای اساسی بقای هویت دینی است. از این منظر، حرم های اهل بیت (علیهم السلام) صرفاً بنای تاریخی یا محل زیارت فردی نیستند، بلکه در ساختار اعتقادی و اجتماعی شیعه، کارکردی فراتر از یک مکان معمولی دارند؛ زیرا به مثابه نشانه های هویت مذهبی، در انتقال معنا، حفظ پیوند تاریخی جامعه شیعی با معصومان (علیهم السلام) و استمرار شعائر دینی نقش ایفا می کنند؛ بنابراین، چنانچه تعرض به این اماکن با هدف هتک حرمت، حذف نمادین، یا تضعیف جایگاه هویتی آنها صورت گیرد، چنین تهدیدی را باید ذیل عنوان «اخلال در بیضه اسلام» تحلیل کرد. در این فرض، دفاع از حرم ها نه از باب عاطفه صرف، بلکه بر پایه یک مبنای فقهی شناخته شده، یعنی صیانت از کیان مذهب، مشروع و بلکه لازم خواهد بود.

۴-۳-۱. مفهوم قاعده

«بیضه» در لغت به معنای اصل، مرکز و هسته سخت هر چیز است و در اصطلاح فقهی، به مهم‌ترین لایه وجودی دین که با زوال آن، اصل شریعت از کارکرد اجتماعی و هویتی ساقط می‌شود، اطلاق می‌گردد. فقها هنگام بحث از جهاد دفاعی، حفظ امنیت و موجودیت جامعه اسلامی، از این تعبیر برای اشاره به ضرورت دفاع در برابر تهدیدات ساختاری استفاده کرده‌اند.

شهید اول در *الدروس الشرعية*، در بحث جهاد، جهاد را در موارد تعرض به اساس اسلام واجب دانسته و تصریح می‌کند که در چنین شرایطی، دفاع از باب صیانت دین بر سایر تکالیف تقدم دارد (شهید اول، ۱۴۱۷ ق، ج ۲: ۵-۶).^۱ فقهای متأخر نیز با توسعه این معنا، حفظ بیضه اسلام را شامل هر وضعیتی دانسته‌اند که دین یا مذهب، در معرض زوال عملی، حذف نمادین یا اضمحلال اجتماعی قرار گیرد.

۴-۳-۲. مبانی قاعده در فقه امامیه

مطابق تحلیل فقها، تهدید بیضه اسلام صرفاً منحصر به اشغال سرزمینی یا نابودی فیزیکی جامعه مسلمانان نیست، بلکه هرگونه اقدام هدفمند که به فروپاشی هویت دینی، بی‌اعتبارسازی نمادهای اصلی دین و حذف تدریجی دین از عرصه عمومی بینجامد، می‌تواند در زمره مصادیق این تهدید قرار گیرد.

از این‌رو، چنانچه حمله به نمادهای مرکزی دین، مقدمه‌ای برای تضعیف ساختاری مذهب گردد، مقابله با آن در چهارچوب دفاع، واجد ملاک حفظ بیضه اسلام خواهد بود. این قاعده، از حیث دایره شمول، در رتبه‌ای بالاتر از دفاع شخصی یا دفاع از اموال فردی قرار می‌گیرد و ناظر به مصالح کلان دینی و جمعی است.

۱. این تعبیر، تلخیصی از عبارات شهید اول در مبحث جهاد است که بر اولویت صیانت از اساس دین در موارد تعرض صریح تأکید می‌کند.

۴-۳-۳. تطبیق قاعده بر دفاع از حرم

حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام) در مذهب امامیه، جایگاه محوری در استمرار هویت مذهبی، انتقال معناهای اعتقادی و حفظ پیوند تاریخی جامعه شیعی با معصومان (علیهم السلام) دارند. تهدید نظام‌مند این اماکن، در مواردی که با هدف حذف نمادین تشیع و تضعیف بنیان‌های هویتی آن صورت گیرد، فراتر از یک تعرض موضعی بوده و واجد ماهیت «تهدید بنیادین» است.

در چنین شرایطی، دفاع از حرم‌ها را نمی‌توان صرفاً ذیل عناوین فردی مانند دفاع از مال یا مکان خاص تحلیل کرد؛ بلکه این دفاع، از منظر فقهی، مصداقی از حفظ بیضه مذهب امامیه و صیانت از کیان اعتقادی آن به شمار می‌آید. بر این اساس، حکم دفاع متوجه کل جامعه دینی است و محدود به مدافعان مستقیم یا ساکنان یک منطقه خاص نخواهد بود.

۴-۳-۴. نتیجه قاعده محور

برایند این تحلیل آن است که هرگاه تهدیدی متوجه اساس دین، مذهب، یا نمادهای بنیادین هویتی آن شود، دفاع از این نمادها در چهارچوب ضوابط شرعی واجب می‌شود. از این رو، دفاع از حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام) در فرض تهدید جدی، یکی از مصادیق روشن قاعده حفظ بیضه اسلام است و می‌تواند به عنوان مبنای مستقل فقهی وجوب دفاع مورد استناد قرار گیرد.

۴-۴. تعیین نوع وجوب دفاع از حرم و شرایط تبدیل آن

پس از تبیین ادله، قرآنی، روایی و قواعد فقهی مؤثر در مسئله دفاع از حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام) نوبت به تعیین نوع وجوب و شرایط آن می‌رسد. بررسی مجموع ادله نشان می‌دهد که دفاع از حرم، از حیث حکم اولیه، واجد وجوب کفایی است؛ هرچند در برخی شرایط خاص، این وجوب می‌تواند به وجوب عینی تبدیل شود.

تحلیل فقهی این مسئله بر آن استوار است که موضوع دفاع از حرم، صرفاً دفع آسیب از

یک مکان خاص نیست، بلکه حفظ یک مصلحت عمومی دینی و صیانت از شعائر و هویت مذهبی است. از همین رو، حکم دفاع در این فرض، همانند دیگر موارد دفاع شرعی، متوجه عموم مکلفان است و با تحقق کفایت، از دیگران ساقط می‌شود.

۴-۴-۱. اصل وجوب: کفایی بودن دفاع از حرم

برایند ادله مورد بررسی اعم از اطلاعات ادله دفاع در برابر هجوم، حرمت هتک مقدسات، وجوب تعظیم شعائر و قاعده حفظ بیضه اسلام بر این دلالت دارد که دفاع از حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام) در فرض تحقق هجوم یا تهدید جدی، واجب کفایی است. در فقه امامیه، اصل وجوب دفاع در برابر هجوم، از مسلمات باب جهاد دفاعی به شمار می‌آید. فقها تصریح کرده‌اند که هرگاه دشمن به سرزمین مسلمانان یا کیان دین هجوم آورد، دفاع واجب می‌شود؛ اما این وجوب در صورتی که گروهی از مکلفان به مقدار کفایت قیام به دفاع نمایند، از دیگران ساقط خواهد شد. محقق حلی در شرائع الاسلام با بیان وجوب دفاع در صورت هجوم دشمن، تحقق کفایت را موجب سقوط تکلیف از سایر مکلفان می‌داند (محقق حلی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱: ۳۳۱-۳۳۲).

علامه حلی نیز در تذکرة الفقهاء دفاع در برابر هجوم را واجب می‌داند و تصریح می‌کند که این وجوب، ناظر به حفظ کیان اسلام بوده و با قیام جمعی از مسلمانان، تکلیف از دیگران برداشته می‌شود (علامه حلی، ۱۴۱۴ ق، ج ۹: ۱۷-۱۹).

ملا احمد نراقی در مستند الشیعة با تفکیک میان جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی، دفاع در برابر هجوم به بلاد مسلمین یا اساس دین را واجب فوری می‌داند و آن را از مواردی می‌شمارد که تحقق آن نیازمند اذن خاص نیست و بر حسب کفایت، وجوب از دیگران ساقط می‌شود (نراقی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۴: ۱۱۴-۱۲۰).

در فقه معاصر نیز امام خمینی در تحریر الوسيلة تصریح می‌کند که اگر اسلام، سرزمین مسلمانان یا مقدسات آنان در معرض هجوم قرار گیرد، دفاع واجب است و این وجوب، در فرض تحقق کفایت، از سایر مکلفان ساقط می‌شود (خمینی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۴۸۹-۴۸۹).

۴۹۰). آیت الله خوئی نیز در مبانی تکملة المنهاج دفاع در برابر هجوم را از احکام روشن جهاد دفاعی می داند و آن را از حیث اصل مشروعیت، غیر متوقف بر اذن خاص معرفی می کند (خوئی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱: ۳۵۵-۳۵۷).

بر این اساس، از آنجا که دفاع از حرم های اهل بیت (علیهم السلام) در فرض تحقق تهدید واقعی و مؤثر از مصادیق دفاع از شعائر دینی و صیانت از کیان مذهبی به شمار می آید، حکم آن از حیث نوع وجوب، تابع ضوابط عام جهاد دفاعی خواهد بود؛ بدین معنا که اصل آن واجب کفایی است و با تحقق دفاع مؤثر توسط جمعی از مکلفان، تکلیف از دیگران ساقط می شود. از این منظر، دفاع از حرم های اهل بیت (علیهم السلام) در ماهیت فقهی، تأسیس حکم مستقل جدیدی نیست، بلکه تطبیق قواعد تثبیت شده فقه امامیه در باب دفاع شرعی بر موردی خاص از تهدید نسبت به شعائر و نمادهای بنیادین دینی است.

۴-۲. شرایط تبدیل وجوب کفایی به وجوب عینی

وجوب دفاع در برابر هجوم، هر چند در اصل به صورت کفایی تشریع شده است؛ اما در شرایطی خاص می تواند به وجوب عینی تبدیل شود. مبنای این تبدیل، قواعد عام فقهی در باب کفایات و نیز تصریحات فقها در باب جهاد دفاعی است.

فقه های امامیه تصریح کرده اند که اگر دشمن به بلاد مسلمین هجوم آورد و مدافعان موجود برای دفع خطر کافی نباشند، دفاع بر سایر مکلفان به صورت عینی واجب می شود. محقق حلی در شرائع الاسلام بیان می کند که در صورت هجوم دشمن، دفاع واجب است و این وجوب تا تحقق کفایت استمرار دارد (محقق حلی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱: ۳۳۱). مفهوم این بیان آن است که در فرض عدم کفایت، تکلیف متوجه همه افراد قادر خواهد بود. علامه حلی نیز در تذکرة الفقهاء ضمن تأکید بر وجوب دفاع در برابر هجوم، تصریح می کند که اگر گروهی برای دفع دشمن کافی نباشند، بر دیگران واجب است به آنان پیوندند تا خطر برطرف شود (علامه حلی، ۱۴۱۴ ق، ج ۹: ۱۸-۱۹). ملا احمد نراقی در مستند الشیعة دفاع را در فرض هجوم، واجب فوری می داند و تأکید می کند که در صورت تعیین موضوع و عدم تحقق کفایت، وجوب از حالت کفایی خارج شده و بر هر مکلف

متمکن متعین می‌شود (نراقی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۴: ۱۱۷-۱۱۸).

در فقه معاصر نیز امام خمینی تصریح می‌کند که اگر خوف بر اسلام یا بلاد مسلمین باشد، دفاع واجب است و در فرضی که مدافعان موجود کفایت نکنند، وجوب نسبت به دیگران تعیین پیدا می‌کند (خمینی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۴۹۰). همچنین آیت الله خوئی در بحث جهاد دفاعی، ملاک تعیین وجوب را توقف دفع خطر بر اقدام شخص یا گروه خاص دانسته است (خوئی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱: ۳۵۶).

بر این اساس، تبدیل وجوب کفایی دفاع از حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام) به وجوب عینی در صورتی قابل تصور است که:

مدافعان موجود برای دفع تهدید کافی نباشند؛

تهدید، قریب الوقوع و مؤثر در تحقق هتک یا تخریب باشد؛

امکان دفع خطر منحصرأ در اقدام افراد یا گروه‌های خاصی باشد.

در چنین فرضی، بر اساس ضوابط عام فقهی، وجوب دفاع نسبت به افراد متمکن، متعین خواهد شد و دیگر در حد کفایت جمعی باقی نمی‌ماند.

۴-۳. نسبت دفاع از حرم با اذن حاکم شرع

از مباحث مهم در تحلیل فقهی دفاع از حرم، نسبت آن با اذن امام معصوم (علیه السلام) یا حاکم شرع است. در فقه امامیه، میان جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی تفکیک روشنی وجود دارد. جهاد ابتدایی بنابر نظر مشهور فقها، متوقف بر حضور و اذن امام معصوم (علیه السلام) است؛ اما جهاد دفاعی از این قاعده مستثنا دانسته شده است. محقق حلی در شرائع الإسلام جهاد ابتدایی را مشروط به اذن امام می‌داند؛ اما در بحث هجوم دشمن، دفاع را به صورت مطلق واجب می‌شمارد (محقق حلی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱: ۳۳۰-۳۳۱). علامه حلی نیز همین تفکیک را در تذکرة الفقهاء بیان می‌داند و دفاع در برابر هجوم را از مواردی می‌داند که با تحقق موضوع، وجوب آن ثابت می‌شود (علامه حلی، ۱۴۱۴ ق، ج ۹: ۱۶-۱۸).

نراقی در مستند الشیعة تصریح می‌کند که جهاد دفاعی متوقف بر اذن امام نیست؛ زیرا اصل دفاع، دفع سائل و حفظ اسلام است و این امر با تحقق هجوم، مشروعیت می‌یابد (نراقی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۴، ص ۱۱۵). امام خمینی نیز در تحریر الوسيلة دفاع در صورت هجوم را واجب دانسته و آن را مقید به اذن خاص نکرده است (خمینی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۴۸۹). آیت الله خوئی نیز در مبانی تکملة المنهاج اصل مشروعیت جهاد دفاعی را غیر متوقف بر اذن خاص دانسته است (خوئی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱: ۳۵۵).

با این حال، باید میان «اصل مشروعیت دفاع» و «نحوه اجرای سازمان یافته آن» تفکیک کرد. هر چند اصل دفاع با تحقق هجوم مشروع و بلکه واجب می‌شود؛ اما در دفاع‌های گسترده و نظام‌مند، رعایت نظم، هماهنگی و تبعیت از ساختار مشروع حاکمیتی، از باب لزوم انتظام امور و جلوگیری از هرج و مرج، ضروری است. این ضرورت، نه از باب شرطیت اذن در اصل مشروعیت، بلکه از باب قواعد ثانوی مربوط به حفظ نظام و جلوگیری از اختلال اجتماعی قابل تحلیل است.

بر این اساس، دفاع از حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام) در فرض تحقق تهدید، از حیث اصل مشروعیت، تابع ضوابط عام جهاد دفاعی بوده و متوقف بر اذن خاص نیست؛ هر چند در مقام اجرا، رعایت نظم مشروع و هماهنگی با ساختار قانونی، مقتضای قواعد عام فقهی در باب حفظ نظام است.

۴-۴-۴. جمع‌بندی

آنچه در این فصل گذشت نشان داد که دفاع از حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام) بر پایه مجموعه‌ای از مبانی مستحکم فقهی قابل تحلیل است و نمی‌توان آن را صرفاً واکنشی احساسی یا امری بیرون از چهارچوب استنباط فقهی دانست.

قاعده نفی سبیل، حرمت هتک مقدسات، وجوب تعظیم شعائر و قاعده حفظ بیضه اسلام، همگی بر این معنا دلالت دارند که در فرض هجوم یا تهدید جدی نسبت به حرم‌ها، دفاع از آن‌ها مشروع و در اصل، واجب کفایی است. همچنین، در شرایطی که

تهدید شدید باشد، مدافعان موجود کفایت نکنند، یا دفاع عملاً در انحصار گروهی خاص قرار گیرد، این حکم می‌تواند به وجوب عینی تبدیل شود.

از سوی دیگر، بر اساس نظر مشهور فقیهان، اصل دفاع در جهاد دفاعی، متوقف بر اذن خاص امام معصوم (علیه السلام) دانسته نشده است؛ هر چند در مقام اجرا و سامان‌دهی، رعایت نظم مشروع و هماهنگی حاکمیتی ضرورت دارد. بر این اساس، دفاع از حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام) در منظومه فقه امامیه، بر پایه قواعد شناخته‌شده و مبانی معتبر استوار است و از پشتوانه‌ای منقح و استدلالی برخوردار است.

۵. نتیجه‌گیری

۵-۱. دستاورد نخست: ماهیت‌شناسی فقهی دفاع از حرم

نخستین یافته پژوهش آن است که دفاع از حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام)، از حیث فقهی، مصداق روشن «جهاد دفاعی» است و در قلمرو جهاد ابتدایی قرار نمی‌گیرد. برخلاف جهاد ابتدایی که بنا بر نظر مشهور فقه‌های امامیه، مشروط به اذن امام معصوم (علیه السلام) است، جهاد دفاعی به محض تحقق هجوم یا تهدید جدی، مشروعیت می‌یابد و در عصر غیبت نیز بدون توقف بر این شرط، واجب می‌گردد.

تحلیل ادله نشان داد که موضوع دفاع، محدود به جان و مال اشخاص نیست، بلکه شامل مقدسات مورد احترام جامعه دینی نیز می‌شود. تعرض به حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام) به سبب کارکرد هویتی و اعتقادی آن‌ها، مصداقی از ظلم سازمان‌یافته به حقوق دینی مسلمانان تلقی می‌شود و اطلاعات ادله دفاع، چنین موردی را در بر می‌گیرد.

۵-۲. دستاورد دوم: قاعده‌محور بودن استدلال فقهی

یافته دوم پژوهش، تثبیت مبانی قاعده‌محور وجوب دفاع از حرم است. بررسی قواعد فقهی نشان داد که وجوب دفاع، بر یک دلیل انحصاری استوار نیست، بلکه حاصل هم‌افزایی چند قاعده معتبر فقهی است:

* **قاعده نفی سبیل**، با نفی هرگونه سلطه مشروع دشمن بر مقدسات و هویت دینی مسلمانان؛

* **حرمت هتک مقدسات و وجوب تعظیم شعائر**، با تأکید بر لزوم جلوگیری از استخفاف به نمادهای دینی؛

* **قاعده حفظ بیضه اسلام**، با لحاظ تهدیدهای بنیادینی که متوجه اصل موجودیت و هویت مذهبی جامعه اسلامی می‌شود.

این قواعد، هر یک به صورت مستقل و در عین حال در امتداد یکدیگر، مشروعیت و الزام دفاع از حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام) را در شرایط هجوم یا تهدید مؤثر تبیین می‌کنند.

۵-۳. تفکیک میان «دلیل الزامی» و «حکمت انگیزشی»

از نوآوری‌های روشی این پژوهش، تفکیک دقیق میان «دلیل فقهی الزام‌آور» و «حکمت یا مؤید معنوی» است. در این چهارچوب، آیاتی مانند تعظیم شعائر و ادله دفاع، نقش دلیل را ایفا می‌کنند، در حالی که آیاتی نظیر مودت ذوی القربی، هر چند پشتوانه معنوی و انگیزشی مهمی برای دفاع از آثار منتسب به اهل بیت (علیهم السلام) فراهم می‌سازند؛ اما به تنهایی منشأ الزام فقهی مستقل برای قتال محسوب نمی‌شوند. این تفکیک، از توسعه غیرمنضبط دایره استدلال فقهی جلوگیری می‌کند و امکان داوری علمی دقیق‌تر در مسئله دفاع از حرم را فراهم می‌آورد.

۵-۴. نتیجه نهایی در باب نوع وجوب

برایند نهایی پژوهش آن است که دفاع از حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام) در فرض تحقق هجوم یا تهدید جدی، دارای وجوب کفایی است؛ بدین معنا که با تحقق دفاع مؤثر توسط جمعی از مکلفان، تکلیف از دیگران ساقط می‌شود. با این حال، در شرایطی همچون عدم کفایت مدافعان، تهدید قریب الوقوع نسبت به اصل شعیره، یا انحصار توان دفاع در افراد خاص، این وجوب به وجوب عینی تبدیل می‌گردد. از منظر فقه امامیه، اصل مشروعیت

این دفاع متوقف بر اذن خاص حاکم شرع نیست، هر چند در مقام اجرا و تنظیم دفاع‌های گسترده و سازمان‌یافته، رعایت نظم و هماهنگی تحت مدیریت مشروع، از باب مقدمه عقلایی تحقق واجب، ضرورت می‌یابد.

۵-۵. جمع‌بندی نهایی

در مجموع، این پژوهش نشان داد که دفاع از حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام)، نه واکنشی صرفاً احساسی و نه امری استثنایی خارج از چهارچوب فقه سنتی است، بلکه بر مبانی ریشه‌دار فقه امامیه مبتنا دارد و ذیل قواعد شناخته‌شده جهاد دفاعی قابل تحلیل است. تبیین قاعده‌محور این مسئله، ضمن پرهیز از خلط مباحث فقهی با ملاحظات سیاسی یا شعاری، امکان دآوری علمی منقح‌تری را در خصوص مسائل حوزه دفاع از دین و امنیت اعتقادی فراهم می‌سازد و می‌تواند به‌عنوان الگویی روشمند برای تحلیل فقهی سایر مسائل مستحدثه مورد استفاده قرار گیرد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- آخوند خراسانی، محمدکاظم. (۱۴۰۹ق). *کفایة الاصول*. قم: مؤسسه آل البيت.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- انصاری، مرتضی. (۱۴۱۹ق). *کتاب المکاسب*. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- بحرانی، سیدهاشم. (۱۴۱۶ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. تهران: بنیاد بعثت.
- بحرانی، یوسف بن احمد. (۱۴۰۵ق). *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعة*. قم: مؤسسه آل البيت.
- خمینی، سید روح الله. (۱۳۷۸). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____. (۱۴۰۴ق). *تحریر الوسيلة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۰ق). *منهاج الصالحین*. قم: مدینه العلم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دار القلم.
- شهید اول (مکی عاملی)، محمد. (۱۴۱۷ق). *الدروس الشرعیة فی فقه الامامیة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۳ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه اعلمی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ق). *تذکره الفقهاء*. قم: مؤسسه آل البيت.
- فاضل لنکرانی، محمد. (۱۴۱۶ق). *القواعد الفقهیة*. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام).
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نراقی، احمد بن محمدمهدی. (۱۴۱۵ق). *مستند الشیعة فی أحكام الشریعة*. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- _____. (۱۴۱۷ق). *عوائد الايام فی بیان قواعد الأحکام*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

Analysis of the Jurisprudential Foundations of Defending the Shrines of the Ahl al-Bayt (PBUH) and their Associates

Mohamad jamshidi ¹ Mahamadmahdi Moradi ²

Received: December 21 , 2025

Revised: June 16 , 2026

Accepted: July 25 , 2026

Abstract

The defense of the shrines of Ahl al-Bayt (peace be upon them) has emerged as a significant issue in contemporary Shi'i jurisprudence, particularly within the fields of political and devotional fiqh. Divergent views regarding its legal nature often stem from conflating various juristic categories and mixing normative legal reasoning with political or emotional considerations. This article aims to provide a rule-based juristic analysis of the obligation to defend these shrines, grounded in authoritative Islamic legal sources, while avoiding their reduction to offensive jihad or purely sentimental motivations.

The study begins by clarifying foundational concepts such as jihad, defense, and sacred shrines within Imami jurisprudence. It then examines relevant Qur'anic verses and narrations to establish the legitimacy of defending against injustice, violation of sanctities, and desecration of religious symbols. Subsequently, specific juristic maxims—such as the rule of negating domination (nafy al-sabil), the prohibition of desecrating sacred symbols, the obligation to preserve the integrity of Islam, and the principle of venerating religious symbols—are analyzed as governing or interpretive principles applicable to the issue.

The findings demonstrate that defending the shrines of Ahl al-Bayt (peace be upon them), when facing real and organized threats, falls within the category of defensive jihad. From a legal standpoint, such defense entails a collective obligation (wujūb kifā'ī), which may transform into an individual obligation (wujūb 'aynī) under particular circumstances. This ruling is derived from binding juristic principles and must be clearly distinguished from motivational or devotional considerations such as affection for the Ahl al-Bayt.

Keywords

Defense of Shrines, Defensive Jihad, Integrity of Islam, Nafy al-Sabil, Veneration of Religious Symbols.

1. Level 3 graduate of Qom Seminary and PhD student at Semnan University (corresponding author):
mj.alamdar@gmail.com

2. PhD student at the University of Religions and Denominations: nasle3@chmail.ir